تصویر رژیم صهیونستی در نمایشگاه کاریکاتور هولوکاست

حسین کارگر

هولوکاست یکی از موضوعات قابل توجه در عرصه هنری است که با گذشت بیش از ۷۰ سال از ادعای این واقعه در جریان جنگ جهانی دوم، هنوز هم آثار هنری مختلفی در زمینه‌های سینمایی، ادبی و ... با موضوع هولوکاست خلق می‌شود. به طور مثال برای نمونه، در آخرین دوره برگزاری مراسم اسکار، فیلم «پسر شائول» با نمایش داستانی درباره هولوکاست، جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی این مراسم را از آن خود کرد. در ایران هم یک رویداد هنری با نام هولوکاست، توجه جهانیان را به خود معطوف کرده است. مسابقه‌ای که دوره اول آن، سال ۸۴ برگزار شد و بازتاب‌های بسیار زیادی هم داشت؛ حتی برخی از هنرمندان شرکت‌کننده در این مسابقه در کشورهای غربی به مرگ تهدید شدند و برخی نیز جریمه‌های بسیار سنگینی را تحمل کردند.

اما دومین دوره آن در واکنش به انتشار مطالب موهن علیه پیامبر اعظم(ص) در برخی از نشریات غربی، از سال گذشته کلید خورد. پس از انتشار فراخوان دومین مسابقه کاریکاتور هولوکاست، ۸۴۵ اثر از ۵۰ کشور جهان ارسال شد. برگزیده این آثار، از روز ۲۵ اردیبهشت (همزمان با روز نکبت؛ روز تأسیس رژیم صهیونیستی) در حوزه هنری به نمایش درآمده است. آثاری که محور آنها را رژیم صهیونیستی تشکیل می‌دهد. هنرمندان شرکت‌کننده در مسابقه کاریکاتور هولوکاست، دو موضوع را محور قرار داده‌اند؛ اول اینکه بر فرض وقوع هولوکاست، چرا مردم کشوری که هزاران کیلومتر دورتر از آن واقعه بودند و هیچ نقشی هم در آن نداشتند، باید تاوان آن را پس دهند؟ دوم اینکه خود رژیم صهیونیستی طی دوران حیات نکبت‌بارش، ده‌ها هولوکاست را علیه انسان‌های بی‌گناه برپا کرده است.

اما مسابقه کاریکاتور هولوکاست در دومین دوره هم بازتاب‌ها و واکنش‌هایی را در پی داشت؛ به گونه‌ای که از همان ابتدای انتشار فراخوان این مسابقه، نماینده‌های رژیم غاصب صهیونیستی در سازمان ملل به تکاپو افتادند تا علیه این مسابقه جوسازی کنند. «یولی ادلشتین» رئیس کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) از «بان کی‌مون» دبیر کل سازمان ملل درخواست کرد تا یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی دوسالانه کاریکاتور با موضوع «هولوکاست» در ایران را محکوم کند. رادیو اسرائیل هم ضمن برنامه‌ای، برگزارکنندگان این مسابقه را «آدم‌خوار» توصیف کرد.

اما اتفاق نه چندان خوب، مقایسه برگزارکننده‌های مسابقه هولوکاست با نژادپرست‌های آمریکایی از سوی وزیر امور خارجه کشورمان بود. وقتی خبرنگار نیویورکر از محمدجواد ظریف پرسید که اساساً چرا ایران اجازه برگزاری چنین نمایشگاهی را می‌دهد، وی پاسخ داد: «چرا ایالات متحده «کو کلاکس کلن» (گروه‌های سفیدپوست نژادپرست) دارد؟ آیا مقصر اینکه سازمان‌های تنفرپراکن نژادی در ایالات متحده وجود دارد، دولت ایالات متحده است؟ تصور نکنید که ایران تک‌صدایی است. دولت ایران از هیچ نمایشگاهی با ماهیتی که از آن صحبت می‌کنید، حمایت نکرده و چنین نمایشگاهی ترتیب نمی‌دهد.

مسعود شجاعی طباطبایی، دبیر مسابقه هولوکاست هم در واکنش به این اتفاق گفت: «ظریف را اصلاً به نمایشگاه هولوکاست دعوت نخواهیم کرد، مواضع او عزتمندانه نیست.»

نگاهی به فیلم «رسوایی ۲» به کارگردانی مسعود ده نمکی

زلزله در سینما با یک فیلم آخرالزمانی

مهدی امیدی

آخرالزمان، یکی از محبوب‌ترین موضوعات در سینمای روز جهان است. هر سال، تعداد زیادی از فیلم‌های هالیوودی با این موضوع ساخته شده و به نمایش درمی‌آیند. زلزله‌های مهیب و نابودکننده، طوفان‌ها و سیل‌های بنیان‌کن، انفجار بمب‌های هسته‌ای و دنیایی تیره و تار و نابود شده و آدم‌هایی که میان مرگ و زندگی و امید و ناامیدی، معلق هستند! اینها از جمله تصاویر و ماجراهای مشترک اغلب فیلم‌های آخرالزمانی است؛ فیلم‌هایی که البته از موضوع و محتوایی پر از خرافه و جادو و فریب هم سرشار هستند. متأسفانه با وجود پررنگ بودن مایه‌های آخرالزمانی در فرهنگ و اعتقادات ما، اما فیلم‌هایی که به این گونه موضوعات بپردازد بسیار اندک هستند.

فیلم «رسوایی ۲» به کارگردانی مسعود ده‌نمکی، یکی از معدود آثاری است که با دستمایه قرار دادن این اعتقادات، ساخته شده و به نمایش درآمده است. محور اصلی مضمون این فیلم، اعتقاد به هجوم حوادث آخرالزمانی در نتیجه فراگیر شدن گناه، به ویژه نزد مسئولان و دولتمردان است. داستان این قسمت از رسوایی، برخلاف روال معمول و مرسوم فیلم‌های دنباله‌دار، در ادامه داستان قسمت اول این فیلم نیست. البته، این بار هم شخصیت محوری فیلم، حاج‌یوسف با بازی اکبر عبدی است؛ شخصیتی که گویی از افسانه‌ها برآمده است و رنگ و بوی بسیاری از عرفا و روحانیون بزرگ تاریخ را دارد. او این بار بیشتر به درون جامعه می‌رود و با مردم، بیش از گذشته در ارتباط است. اما هشدار حاج‌یوسف، این بار خطاب به مسئولان است. داستان فیلم «رسوایی ۲» به سیاق سایر فیلم‌های آخرالزمانی در یک شهر خیالی می‌گذرد. هر چند این شهر واقعی نیست، اما نشانه‌ها و مناسباتش به واقعیت شباهت دارد؛ بانک‌های خصوصی با انواع جایزه‌های رنگارنگ و پرداخت سودهای کلان، تابلوهای مختلف تبلیغاتی، جامعه‌ای که در ظاهر پیشرفت می‌کند، اما در باطن، درجا می‌زند! در این میان، یک روحانی بصیر و آگاه، هشدار می‌دهد که اگر مسئولان دولتی به خودشان نیایند و کاری نکنند، زلزله‌ای در راه خواهد بود. فیلم «رسوایی ۲» با لحنی ژورنالیستی که گاه به گزارش‌های تلویزیونی و خبری شباهت می‌یابد، برخی از کژتابی‌های اجتماعی و اخلاقی را در قالب یک قصه فانتزی به تصویر کشیده است. سرمایه‌داری، نزول‌خواری، آقازاده‌ها، جنگ فقر و غنا و مسئولانی که دور از مردم زندگی می‌کنند، همه با نهیب تند این فیلم روبه‌رو هستند. فیلم جدید ده نمکی، یک بیانیه اعتراضی نسبت به بی‌عدالتی و بی‌توجهی به احکام اسلامی در عرصه اقتصادی است؛ مضمونی که تبدیل آن به یک فیلم دراماتیک، بدون سقوط به ورطه سیاه‌نمایی، کار دشواری است. اما ده‌نمکی از پس آن برآمده است.

ویژگی اصلی فیلم «رسوایی ۲» جلوه‌های ویژه کم‌نظیر آن است. در سکانس‌های وقوع زلزله، صحنه‌هایی خارق‌العاده و حیرت‌انگیز به نمایش درمی‌آید. بسیاری از مردم تهران، گاهی در خیال خود، وقوع یک زلزله سهمگین در این کلان‌شهر را تصور می‌کنند. ده‌نمکی در فیلم جدید خود، به همه این تخیلات

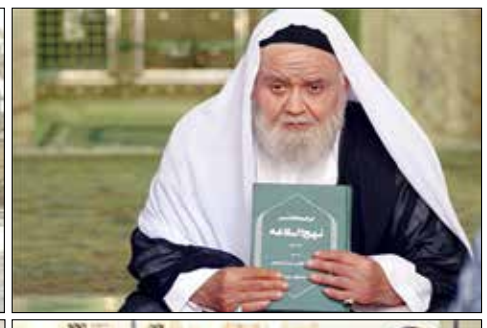

و تصورات رنگ واقعیت زده است. این فیلم هر چند به طور خیالی، جزئیات یک زلزله بزرگ و ویران شدن سازه‌های شهری را نمایش می‌دهد. فیلم از این نظر «رسوایی ۲»، بیشتر شبیه فیلم «۲۰۱۲» است. تصاویر آخرالزمانی و مهیب فروریختن و در هم کوبیده شدن زمین، گرچه به کمک نرم‌افزارهای رایانه‌ای پدید آمده‌اند، اما واقع‌گرا و باورپذیر هستند و تصنعی بودن آنها چندان توی ذوق نمی‌زند. به هر حال، این اولین تجربه سینمای ایران در زمینه بازسازی حوادث طبیعی بزرگ و ویران‌کننده به وسیله افکت‌های رایانه‌ای است. طبق رسم مألوف، همیشه اولین کار، سخت و پراشکال است. با این حال به نظر می‌رسد که ده‌نمکی از پس این آزمون برآمده است و توانسته گام بلندی را در سینمای ایران بردارد. «رسوایی ۲» از معدود فیلم‌های ایرانی است که مثل فیلم‌های هالیوودی، مناسب پرده سینماست. واقعیت این است که بیشتر فیلم‌های ایرانی، برای قاب تلویزیون مناسب هستند و تماشای آنها روی پرده سینما با قاب تلویزیون، تفاوت چندانی نمی‌کند، اما تفاوت «رسوایی ۲» با بسیاری از فیلم‌های سینمای کشورمان همین نکته است که تأثیر آن بر پرده سینما با تماشای آن از طریق تلویزیون بسیار متفاوت است. جلوه‌های ویژه و صحنه‌های بازسازی شده زلزله و تخریب شهر، تنها روی پرده سینما مخاطب را دچار حیرت و درک زیبایی‌شناختی می‌کند.

روایت فیلم «رسوایی ۲» مثل فیلم‌های قبلی ده‌نمکی، همچنان بر مدار غریزه می‌گردد. تقریباً خیلی از شاخصه‌های مهم داستان‌پردازی سینمایی براساس اسلوب‌های کلاسیک و آکادمیک فیلمنامه‌نویسی در این فیلم رعایت نشده است. خبری از شخصیت‌پردازی و خورده‌روایت و پرده‌های مختلف داستانی نیست. به بیان دیگر، ما با یک قصه کوتاه فانتزیک روبه‌رو هستیم که بخش زیادی از آن را گفت‌وگوی شخصیت‌ها و همچنین جلوه‌های ویژه پر کرده است. به همین دلیل از نظر داستانی، نمی‌توان به این فیلم نمره چندان خوبی داد، هر چند که قصه گرم و پرفراز و نشیب و درگیرکننده فیلم، کمبودهای فنی و تکنیکی داستان فیلم را جبران کرده است.

خبرها

رونمایی از نخستین فیلم با موضوع شهدای مدافع حرم

همزمان با مراسم بزرگداشت شهدای مسلمان، اولین فیلم داستانی با موضوع مدافعان حرم رونمایی شد.«هنگامه» نخستین فیلم داستانی درباره مدافعان حرم به کارگردانی «امیر داسارگر» و تهیه‌کنندگی «حامد بامروت‌نژاد» است و «امین ایمانی» و «سوگل طهماسبی» نیز در آن ایفای نقش می‌کنند. این فیلم، فانوس ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار در بخش داستانی و همچنین بازیگر نقش اول زن را نیز دریافت کرده است.گفتنی است، فیلم داستانی «هنگامه» دومین اثری است که پس از مستند «خاطرات خانه متروک» در قالب اکران مردمی ـ اقتصادی در جشنواره مردمی فیلم عمار به نمایش درمی‌آید که شرایط نام‌نویسی اکران آن پیش از این اعلام شده است.

انتخاب «مبتذل‌ترین» فیلم‌های سال برای اکران؟!

قرارداد دو فیلمی که از جمله مبتذل‌ترین فیلم‌های سال‌های اخیر سینمای کشور هستند، برای به نمایش درآمدن در نوبت اکران عید فطر ثبت شد. معرفی فیلم‌های اکران عید فطر سینماها نشان می‌دهد، سازمان سینمایی، همچنان بر دادن فرصت خودنمایی به فیلم‌های کمدی مبتذل اصرار دارد! یکی از این فیلم‌ها، پیش از این در جشنواره فیلم فجر هم به نمایش درآمده بود که به اذعان بسیاری از منتقدان سینما، ضعیف‌ترین فیلم کارنامه کارگردانش است. همچنین فیلم دیگر هم در ادامه آثار به ظاهر کمدی، اما به شدت هجوآمیز و آلوده به شوخی‌های غیراخلاقی است که متأسفانه قرار است در نوبت اکران عید فطر، روی پرده سینماهای کشور بروند. گفتنی است، نمایش برخی از آثار به دلیل کیفیت پایین هنری و همچنین محتوای آلوده و غیراخلاقی از ابتدای سال با واکنش منفی گروه‌های دانشجویی همراه شده است.

اظهارنظر مجیدی درباره فیلم آینده خود

کارگردان فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» درباره پروژه آینده خود و همچنین ساخت ادامه فیلم زندگی پیامبر اعظم(ص) اظهار نظر کرد. مجید مجیدی خبر داد: در حال حاضر، قصد دارم فیلمی را در خارج از ایران بسازم. وی درباره ساخت قسمت دوم فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» به باشگاه خبرنگاران گفت: صحبت‌هایی درباره ساخت سری دوم این پروژه شده است، اما در حال حاضر قصد دارم فیلمی را در خارج از ایران بسازم و پس از آن دست به تولید فاز دوم فیلم «محمدرسول‌الله(ص)» بزنم. مجیدی، توضیح دیگری درباره جزئیات این پروژه‌ها نداد.

دل‌نوشته

دل‌نوشته همرزمان شهید سعید کمالی مسئول سیاسی سپاه ناحیه میاندرود

کمال بصیرت

«وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ‌اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ» میندارید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند. نه، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگار خود روزی می‌خورند (آل‌عمران: ۱۶۹). با دلی پر از اندوه از دست دادن دوست و همسنگر عزیزمان و دیدگانی اشک‌بار در غم فراق این عزیز سفرکرده به دیار عشق، چند کلمه‌ای را در وصف رشادت‌ها و ویژگی‌های ایشان روی کاغذ می‌آوریم تا در درجه اول درس عبرتی باشد برای خودمان که دچار غفلت نشویم و بدانیم که همه مدیون شهدا هستیم.

شهید حاج سعید کمالی یکی از ۱۳ شهید مازندرانی است که جمعه ۱۷ اردیبهشت‌ماه در منطقه «خان‌طومان» سوریه جان خود را در دفاع از حریم اهل‌بیت(ع) بر کف دست گذاشت و شربت شیرین شهادت را سرکشید. او که دانش‌آموختگان دانشکده عقیدتی- سیاسی شهید محلاتی(ره) بود و از معدود مربیان و هادیان سیاسی بود که عازم نبرد با حرامیان تکفیری‌ها در سوریه شده بود، فردی بسیار مقاوم، دارای پشتکار، جسور، غیرتمند، اهل پذیرش کارهای سخت، کم‌توقع و به‌دور از رفاه‌گرایی، دغدغه‌مند، غیرتمند، بی‌ادعا و... بود. در حقیقت، سعید بیش از این بارها به شهادت رسیده بود، آنگاه که بی‌قراری‌های آرمانی و دغدغه‌های مقدسش ساعت‌ها او را در فکر و تأمل فرو می‌برد و افسوس می‌خورد که در مقابل این همه نابه‌سامانی‌ها نمی‌توان کار چندانی کرد. سعید یک‌بار پیش از این در بهمن ماه سال ۹۰ در منطقه محروم عبدل‌آباد (از توابع شهرستان عنبرآباد کرمان)، آنگاه که در قالب اردوهای جهادی دانشجویی، داوطلب اعزام به این منطقه شد و محرومیت‌های مردم این منطقه را دید، به شهادت رسید؛ هرچند که با عزمی راسخ و روحیه‌ای وصف‌ناپذیر از پیشقراولان تلاش برای رفع محرومیت از این منطقه شد او حتی بارها با دیدن رنج‌های مناطق محروم قم و کمک به آنها شربت شهادت را نوشیده بود... او که افتخار خادمی مسجد مقدس جمکران و حرم حضرت معصومه(س) را نیز داشت و تا همین اواخر کمتر کسی متوجه این کار ایشان بود. به راستی حیف بود که مرد بی‌ادعایی چون سعید به طریقی غیر از شهادت از دنیا برود؛ زیرا «شهادت هنر مردان خداست» و سعید مصداق کامل این جمله شهید آوینی(ره) بود.

سعید مانند دیگر همرزمانش رفت تا دیگر نه دست و پایی بسته شود و نه صورتی سیلی بخورد و نه بانویی به اسارت گرفته شود سعید رفت تا به ما بیاموزد که در راه دفاع از حریم ولایت باید از همه چیز، حتی خانواده، همسر، پسر دوساله، شغل، جایگاه و... گذشت. سعید رفت تا حریم امنیت ملی کشور مستحکم‌تر از همیشه باقی بماند و هیچ تکفیری و صهیونیست حرامی در سر خود فکر تجاوز به حریم کشورمان را نپروراند. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

دوستان شهید کمالی، دانش‌آموختگان دوره شهید مختاری(ره) دانشکده شهید محلاتی(ره)

تریبون

پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

جمع‌بندی تریبون سوم

سرقت دو میلیارد دلار از دارایی‌های ایران از سوی آمریکا در پسابرجام نشانه چیست؟

سومین شماره از هم‌اندیشی تریبونی صبح‌صادق در رابطه با سرقت دو هزار میلیارد دلاری اموال ایران بود که شما همراهان تریبونی در آن شرکت کردید. در ادامه به جمع‌بندی نظرات شما می‌پردازیم.

قابل اعتماد نیست

بیشتر شما همراهان بر اثبات اعتمادناپذیر بودن آمریکا تأکید داشتید. «میلاد حاجی‌محمدی» از شال، «مسعود همرنگ هزان» از گرمی، «محمد عباسقلی‌پور» از املش، «حسین عجم» از شاهرود، «عیسی رحیمی‌نیا»، «محمود کاتب» از خوانسار، «جعفرصادق عطاری» از تهران، «مهدی محمدی» از چادگان، «مصطفی صالحی» از کهنوج، «حسینعلی سخنگو» از کاشان، «محمد زارعی برآبادی» از خواف، «سیدعلی حسینی» از بجنورد، «محمدرضا محی‌آبادی» از کرمان، «قدرت خلیلی» از میاندوآب، «قدرت‌الله احمدپور» از ارومیه، «ناصرقدسی» از مراغه، «ابراهیم ترکمند» از بوئین‌زهرا، «امید ملازاده» از پیرانشهر، «کریمی» از چالدران، «رحیمی» از فریمان، «مرضیه احمدی» از فریدن، «دهقان بهابادی»، «هاشم اکبری»، «احمد چنانی» از شوش دانیال، «محمد صیام‌پور» از اصفهان، «محمدحسن حکیمیان» از یزد، «محمد بانشی» از شیراز، «سیدسجاد هاشمی‌کیا» از گچساران، «سیدامیر شکوهی» از شیراز، «روح‌الله ابراهیمی» از ارسنجان، «حامد رئیس‌پور» از باغملک، «رباب سدیری»، «جلیل مقدم» از ابهر، «محمد ابراهیمی» از ارسنجان، «حسن رضایی یزدی» از تهران، «احمد محمدی» از آبیک، «محمد کریم‌زاده» از اصفهان، «محدث» از مشگین‌شهر، «جلال خادمیان» از ارسنجان، «اسدالله منصوری» از کرمانشاه، «جواد قاسمی» از خنداب، «علیوند» از خرم‌آباد و «خ دهقانی» از قزوین از جمله همراهانی بودند که بر این نظر توافق داشتند.

ضعف عوامل مذاکره‌کننده

اما وجه دیگر موضوع از نظر شما همراهان گرامی ضعف دولت و تیم مذاکره‌کننده در موضع‌گیری در برابر دشمنان اعلام شده که از آن جمله بودند: «محمدهادی سخنور»، «رضوانی» از نرماشیر، «مصطفی اکبری» از داران، «مصطفی مروتی» از یزد، «روح‌اله احمدی» از قم، «حسین افضلی» از دامغان، «مستوره فتاحی» از همدان، «رضوان» از بم، «محمدطاها احمدی» از قم، «یزدان» از قم، «علیرضا میرزایی» از تهران، «ارجمندپور» از بهمئی، «احمدعبادی» از اهر، «مسعود جوکار» از فسا، «محمدصادق خمسه» از قزوین، «خزایی» از کرمانشاه، «محمدرضا صادقپور» از اراک، «اکبر بیات» از اراک، «حامد جعفری» از تنگستان اهرم، «علی پورفتحی» از خرم‌آباد، «محمدرضا شعبانی» از هندیجان، «روح‌اله نوروزی» از خرم‌دره، «اکبر سیاهی» از مرند، «علیمراد غلامی» از ایلام، «رضا محرمی» از شوط، «مهدی اردلانی» از همدان، «عارف جمالی» از کرمانشاه و «وحید غلامی» از ایلام.

گوش نکردن به تدابیر رهبری

گوش نکردن به منویات و تدابیر رهبری در تدوین و اجرای برجام از سوی مسئولان کشور در مجلس و دولت موضوع دیگری است که برخی از شما همراهان گرامی به آن اشاره کردید. «اکرم برزگر بفرویی» از تهران، «صادق» از یاسوج، «عباسی» از گناباد، «دهقانی» از یزد، «شهبازی» از هرسین، «احمد طیبی» و «رجبی» از همدان، «احسان غیاثی» از کرمانشاه، «تکتم یعقوب‌زاده» از بیرجند و «فاطمه نصراللهی» از شوش بر این نظر تأکید دارند.

گستاخی مستکبران

موضوع دیگری که مطرح شد گستاخ شدن مستکبران بود که «محمد صابری‌فر» از کردکوی، «دارابی» از اصفهان و «سیدمحمد هاشمی» آن را طرح کردند.

خوی استکباری

اشاره به خوی استکباری آمریکا و تبعیت آنها از قانون جنگل اشاره دیگری بود که «مجتبی صداقت» از آمل، «فؤاد جمیل‌پور» و «علی محرمی» از چالدران، «مرتضی اکبری» از اصفهان، «بهرام عباسی» از مهاباد، «محسن قلیچ» از شاهرود، «رجبیان» از شیراز، «راضیه تیرانداز» از مرند، «الهام عباسقلی‌پور» از املش، «علی مجیدی» از «آذرشهر» و «مریم وفایی» از زرین‌شهر بیان کردند.

دشمنی آشکار آمریکا

«علی شعبان» از بروجرد، «جواد موسوی» از شهریار، «صدیقه معصوم‌بیکی» از یزد و «فرحناز قانع عزآبادی» از یزد بر آشکارتر شدن دشمنی آمریکا با ایران تأکید داشتند.

دزدی بین‌المللی

دزدی بین‌المللی واژه‌ای است که در پیام‌های «مهدی حکیمیان» از یزد، «میلاد حاجی‌محمدی» از قزوین شال، «سیدمسعود قاضی» از قم و «لیلا زارع» از یزد مشاهده شد.

دیگر همراهان

اما دیگر همراهان شرکت‌کننده در این شماره تریبون عبارت بودند از خانم‌ها و آقایان: «فارغ بازدار» از اردبیل، «عبدالعلی سیلانه» از شیروان، «علی نظر طمری» از ایلام، «شهریار خداویسی» از صحنه، «جواد شاه‌ولی‌بر» از نیکشهر، «حلیمه عابدی» از کرمان، «معصومه کارگر» از شهر بابک، «امین مختاری حسن‌آباد» از یزد، «زارعی» از مریوان، «پیرآلاگوز» از سلدوز، «ریحانه عباسی» از نقده، «عباس حیدری» از کرمانشاه، «امرالله کیا» از کردکوی، «سالاری» از کرمانشاه، «مهدیه حکیمیان» از یزد، «مرتضی افرنگ» از اهر، «مجید فیاضی‌پور» از دهدشت، «هاشم حیدری‌نیا» از بهمئی و «فاطمه حاجی‌محمدی» از قزوین.

برندگان تریبون سوم

رحیمی از فریمان / خ دهقانی از قزوین

محمدطاها احمدی از قم

پرسش تریبون چهارم

لازمه حفظ روحیه انقلابی چیست؟

حسن ختام

باید دل آذین کنیم به دیدارتان...
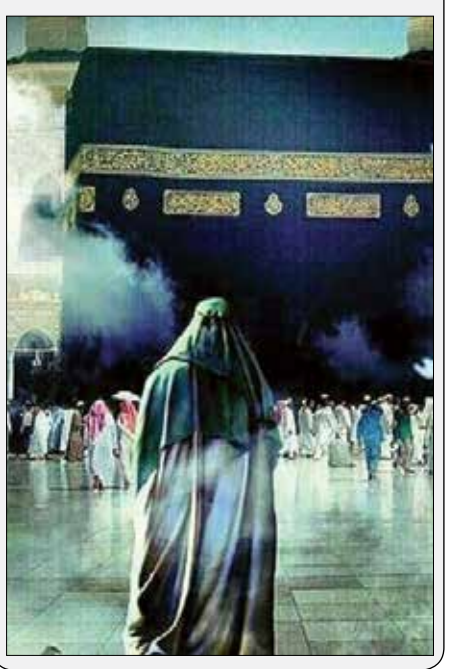
آب‌پاشی کرده‌اند کوی و برزن را به یمن قدومت؛
دود اسپند راهی کشیده است به آسمان منتظرانت؛
شمیم گل‌های نرگس چقدر خوب شامه را می‌نوازند؛
و چه زیبایند طاق نصرت‌های سراسر به گل آراسته...
اینها ترجمان قلب‌های موافق با توست
روایت عاشقی است مهدی جان!
روایت جویندگانی؛ هر یک به بضاعت...
به امید آنکه تو ستاره محفل‌شان باشی
و با گل زیبای وجودت جشن‌شان را بیارایی
می‌دانیم...
کم‌لطفی‌های‌مان بسیار است... قبول!
اما اگر بگوییم سرشاریم از حضورتان دروغ نگفته‌ایم
این را هم خوب می‌دانیم پیش از کوچه‌های‌مان
باید دل، آذین کنیم به دیدارتان
باید بشوییم قلب‌های مکدّر به بغض‌های زمانه را...
ماه، ماه شماست
بگویید نشان‌تان را از کجا بگیریم مولا جان؟
و چگونه فرش راه‌تان کنیم چشم‌های خسته از انتظار را؟
بگو آقا جان... بگو...